

ورود عیسی به اورشلیم

متی ۱۱:۲۱

مقدمه

از بچه‌ها پرسید آیا تا به حال جایی بوده‌اند که متوجه شده باشند قرار است یک فرد خیلی مهم به آنجا بیاید؟ آنها چه احساسی داشتند؟ و به محض دیدن آن فرد معروف و مهم مردم چه واکنشی نشان دادند؟ (در صورتی که بچه‌ها چنین تجربه‌ای نداشته باشند می‌توانید خودتان اگر تجربه‌ای دارید با بچه‌ها در میان بگذارید و یا می‌توانید یکی از ماجراهایی که در تلویزیون دیده‌اید را برای بچه‌ها تعریف کنید. در این قسمت حتماً اشاره کنید که وقتی یک فرد مهم وارد جایی می‌شود در اغلب اوقات یک فرش قرمز پهن می‌کنند تا او از روی آن رد شود).

به بچه‌ها توضیح دهید که هر سال یهودیان جشن مهمی داشتند به اسم پسخ. یهودیان آن روز را به یاد روزی که خدا آنها را از دست مصریان نجات داد جشن می‌گرفتند. یک سال در حالی که مردم برای این جشن به شهر اورشلیم سفر می‌کردند شنیدند که عیسی هم به آنجا می‌آید. از بچه‌ها پرسید که فکر می‌کنند مردم چه واکنشی نشان دادند؟

درس

از قبل یک عروسک خیمه‌شب بازی به صورت الاغ درست کنید (طرز تهیه عروسک خیمه‌شب بازی الاغ / کتاب کار دستی / صفحه ۱۶) و آن را در دست تان بکنید و ادامه داستان را از زبان الاغ تعریف کنید.

- من یک الاغ کوچولو هستم. یک روز با مادرم کنار خیابان ایستاده بودیم و داشتیم آفتاب می‌گرفتیم. چند نفر آمدند و مرا با خودشان بردنند. آنها مرا پیش مردی به اسم عیسی بردنند.

هدف:

ما هم باید عیسی را به عنوان پادشاه زندگی‌مان بپذیریم.

آیه حفظی:

اول تیموتائوس ۱۷:۱
بر خدای یکتا، آن پادشاه سرمدی، نامیرا و نادیدنی،
تا ابدالآباد حرمت و جلال
باد.

(ترجمه هزاره نو)

عیسی سوار من شد. او مرد بزرگی بود و یک کم هم سنگین! اما ما الاغها خیلی قوی هستیم. اما راستش را بخواهید تا به آن روز هیچ کس سوار من نشده بود و مسافرکشی برای اولین بار خیلی برآم عجیب بود. اما عیسی مرد مهربانی بود. او اصلاً مرا نترساند.

من هم شروع به راه رفتن کردم. چند نفر هم در کنار ما راه می‌رفتند. آنها دوستان عیسی بودند. ما به انتهای خیابان رسیدیم. و از آنجا قرار بود که به شهر بزرگی به اسم اورشلیم برویم. وقتی نزدیک شهر شدیم آدم‌های زیادی را دیدم که منتظر عیسی بودند. (در این قسمت می‌توانید بچه‌ها را تشویق کنید که بلند شوند و نقش مردم زمان عیسی را بازی کنند).

همه به من و عیسی نگاه می‌کردند. آنها خیلی هیجان‌زده بودند. هر کس شاخه‌ای از درختی بریده بود و روی زمین پهن کرده بود. آنها با خوشحالی فریاد می‌زدند: «خدا را شکر، خدا پادشاه اسرائیل را برکت دهد!...» آنها حتی کت‌های شان را درآورده و روی زمین پهن می‌کردند. من در حالی که عیسی روی پشت نشسته بود از روی کت‌ها رد شدم. احساس می‌کردم که دارم از روی فرش قرمز رد می‌شوم!

آن روز شنیدم که مردم فریاد می‌زدند که عیسی پادشاه‌شان است. من خیلی خوشحال بودم. من آن روز بزرگ‌ترین پادشاه را بر روی پشت حمل کردم. برای من خیلی مهم بود که یک نفر به این مهمی بر پشت من نشسته بود.

کاربرد

به بچه‌ها توضیح دهید که در درس‌های قبل دیدند عیسی معجزات بزرگی انجام داده بود. خبر کارهای او همه جا پخش شده بود و همه شنیده بودند که عیسی چه تعالیم عالی‌ای می‌دهد. مردم ایمان آورده بودند که عیسی همان مسیح است (در دوره قبلى به معانی اسم عیسی اشاره شده بود). بعضی از مردم زمان عیسی می‌دانستند که عیسی آمده است تا آنها را از گناه نجات دهد. اما بقیه فکر می‌کردند که عیسی آمده تا آنها را از دست رومیان ظالم نجات دهد. اما در واقع عیسی به این آمده بود تا به انسان‌ها زندگی ابدی را هدیه برای همه انسان‌هایی است که این خبر مهم را شنیده‌اند و خواسته‌اند که عیسی وارد قلب‌شان شود. از بچه‌ها پرسید که آیا آنها هم خواسته‌اند که عیسی پادشاه زندگی‌شان شود؟ آیا آنها هم عیسی را به عنوان نجات‌دهنده‌شان پذیرفته‌اند؟ اگر جواب مثبت است با هم چند دقیقه دعا کنید و خدا را با سرودهای پرستشی پرستید.

اگر در کلاس‌تان بچه‌ایی است که هنوز به مسیح ایمان نیاورده می‌توانید به او بگویید که بعد از دعا و پرستش شما در کلاس می‌مانید، در صورتی که او بخواهد می‌تواند با شما صحبت کند. و یا در طول هفته با او قرار ملاقات بگذارید و کمی بیشتر درباره مبحث نجات توضیح دهید.

کمک درسی

۱- از یکی از اعضای کلیسا‌ای‌تان که بچه‌ها شناخت خوبی از او دارند دعوت کنید تا به کلاس‌تان بیاید و برای بچه‌ها داستان ایمان آوردنش به عیسای مسیح را تعریف کند. او در انتهای باید به بچه‌ها توضیح دهد که چرا عیسی پادشاه زندگی‌اش است. (دقت کنید که فردی را که دعوت می‌کنید قبلًا تجربه صحبت کردن با بچه‌ها را داشته باشد).

۲- بادکنک‌هایی را که از قبل باد کرده‌اید به بچه‌ها بدهید. بچه‌ها را تشویق کنید که بر روی بادکنک‌های شان یک جمله در وصف عیسی بنویسند. بعد سروودی را در کلاس پخش کنید و به بچه‌ها بگویید در حالی که سروود پخش می‌شود بادکنک‌های شان را بالا بیندازند و با آنها بازی کنند. به محض قطع شدن سروود هر کس که بادکنکی در دستش باشد باید نوشته روى بادکنک را بخواند و به بازی ادامه دهد. بچه‌هایی که بادکنکی ندارند از بازی خارج می‌شوند. حتماً قبل از شروع بازی قوانین را با بچه‌ها در میان بگذارید.

۳- طرز تهیه عروسک خیمه‌شب بازی الاغ (کتاب کاردستی‌ها / صفحه ۱۶)